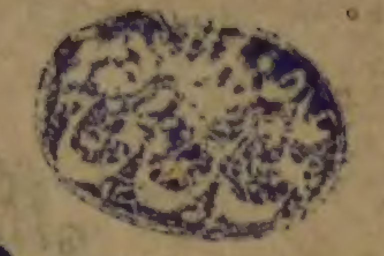
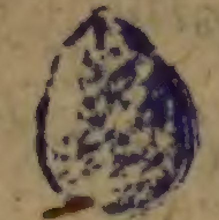
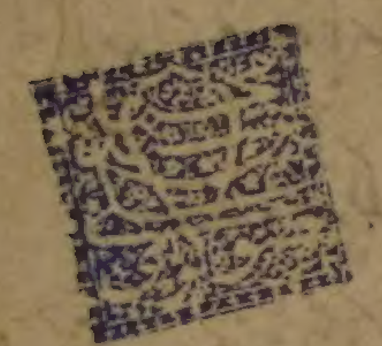
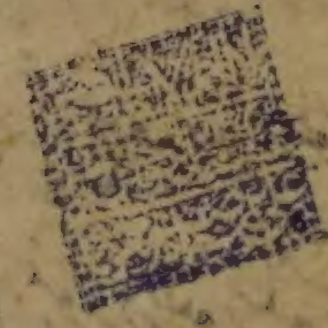
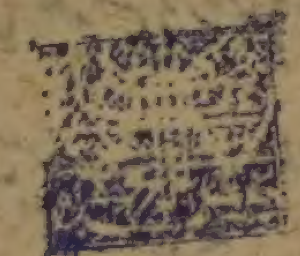












بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهرین

در عدم جواز تقلید میت

مسئلة مجملا انچه ظاهر میشود از اکثر اصحاب اینست که تقلید میت جایز نیست خواه ابتدائی بوده باشد یا استدامتی مسئلة لازم نیست اخذ مسائل از مجتهد بدون واسطه مواجهه بلکه بکتابت یا بواسطه بلکه بوسایط متعدده نیز اکتفا میتوان نمود اما کتابت مثل انکه کسی در یکماه مسافت مسایل متعدده در طوماری نوشته میفرستد خدمت مجتهد جواب مینویسد اعتماد باین میتوان نمود در صورتیکه مشخص باشد که جواب از مجتهد است واما واسطه یا وسایط پس آن نیز چنین است در صورتیکه سایل معتقد عدالت آنها همه باشد لکن با امکان سوال از مجتهد بدون مشقت وعسر اکتفا نمودن مشکل است و در صورت عدم امکان اولی اینست تعیین ان شخص واسطه از مجتهد شده باشد پس عزم در دین مقتضی اینست که با امکان اخذ از مجتهد نماید شفاهة یا از کتاب او

در کیفیت اخذ مسائل از مجتهد

بخط

بخط مجتهد یا بخط غیر در صورتیکه ایمن از غلط بوده باشد لکن در صورتیکه قابلیت فهم آن را داشته باشد بعد از ان بواسطه که تعیین از مجتهد شده باشد بعد از ان بواسطه عادل و با تعدد ترجیح دهد اوثق را از غیر اوثق با امکان سوال از متعدد بسهولت اکتفا بواحد نماید اینها در صورت عدالت واسطه است و اعتماد بغیر عادل نمیتوان کرد مگر در صورتیکه مقرون بقراین قطعیه بوده باشد فایده در اجتهاد و

در طریق ثبوت اجتهاد مجتهد

مبحث است اول در طریق ثبوت اجتهاد است یعنی طریق معرفت مکلفین که فلان شخص مجتهد است میگوئیم طریق آن اختبار و اخبار است اختبار یعنی امتحان و استعلام کردن است پس این شخص اهل علم و کمال است از مطلعین بعلوم شرعیه خواه فایز بمرتبه اجتهاد بوده باشند یا نه پس کسی که عالم بطریقه فقها و عارف بسیره مجتهدین بوده باشد بعد از انکه ملاحظه تالیفات و مقالات این شخص را نماید بنظر دقیق مشخص او میشود که این شخص متصف بصفت اجتهاد است یا نه کلامی که هست در این مقام اینست که آیا مظنه تحقق بلکه اجتهاد کفایت در حکم باجتهاد این شخص میکند یا خیر بلکه لابد است از علم بانکه فلان مجتهد است نمیتوان نمود و اکتفا بمظنه خالی از اشکالی نیست بلکه ظاهر عدم کفایت آنست پس معتبر علم است بتحقق آن واما اخبار پس هر گاه اخبار باجتهاد شخصی صادر

پس نظر باشتمال او بلفظ وانا من المسلمین ایا تبدیل این بمسلمات نماید
وهمچنین وما انا من المشرکین پس بکوید وما انا من المشرکات
وانا من المسلمات یا خیر ظاهر انیست درانمقام ونخوان تبدیل ضرور
نباشد نظر بقاعده تغلیب **مقام ثالث** دربیان تفرقه مابین رجال
ونساء در اقوال ثابته دراثنای نماز است بدانکه اختلافی دراین نیست میان
مرد وزن در اقوال واجبه ثابته دراثنای نماز وهمچنین دراکثر اقوال مستحبه
ولکن در بعضی اقوال مستحبه خلافست مثل انیکه در دعائیکه قبل از شروع
بذکر مستحب است ازجمله غیر مستنکف ولا مستکبر ولا مستحسر زن چنین
کوید غیر مستنکفة ولا مستکبرة ولا مستحسرة وهمچنین در
دعای فیما بین سجدتین زن بکوید انی لما انزلت الی من خیر فقیرة
مقام رابع دربیان مابین رجال ونساء است در ادعیه وارده
درمقام تعقیب بدانکه تشکیکی نیست درانیکه تعقیب چنانچه مستحب است
درحق مردان مستحب است درحق زنان نیز کلامی که است درخصوصیات
ادعیه والفاظ است مثلا سابق بیان شد ازجمله تعقیبات وارده درعقیب
هر نماز اینده عاست اللهم اعتقنی من النار وادخلنی الجنة

وزوّجنی

وزوّجنی من الحور العین شبهه نیست در رجحان خواندن فقره اولی
خواه مرد باشد یا زن کلامی که هست در فقره ثانیه است نظر بانیکه طلب
تزویج حور عین مختص رجال است حور عین عبارت از زنانست که خداوند
عالم جلشانه خلق فرموده بجهة مؤمنان چنانچه از حدیثی که مشتمل است بر همین
دعا ظاهر میشود پس زن این فقره را نباید خواند بلی هرگاه معنی قصد کند
مثل انیکه طلب نماید که حق تعالی حور عین را باو عطا فرماید که خدمتکار
او باشد ان چیزی است دیگر لکن کلام در استعمال این لفظ است
درانمعنی واما ادعیه که مشتمل باشد بر صیغه مذکر پس ظاهر انیست که خواندن
ان درحق زنان بی عیب باشد لکن با تبدیل صیغه مذکر بمؤنث مثل
دعائی که بعد از قرائت سوره مبارکه توحید وارد شده وان دعا مشتمل
برانیست وان تخرجنی من الدنیا امنا وتدخلنی الجنة سالما
پس تبدیل نماید امنا را به امنیة وسالما را به سالمة وهمچنین است
حال در امثال این والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام
علی خیر الانبیاء والمرسلین محمد خاتم النبیین وعلی اله الغر المیامین
الطیبین الطاهرین ابد الابدین و دهر الداهرین وقع الفراغ من تحریر هذا المنتخب

الذی انتخب المهدی من تحفة الابرار تصنیف العالم العامل الفاضل الکامل
الکمل المحققین افضل المدققین زین الفقهاء والمجتهدین شرف العلمآء العاملین
فخر الفضلاء المتبحرین ذی المناقب والمفاخر والمآثر جناب الحاج السید محمد باقر
دام ظله العالی وفضله المتعالی